

عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر وفاق اجتماعی شهر دهدشت^۱

* کریم رضادوست

E-mail: rezadoost@yahoo.com

** علی حسین حسین زاده

E-mail: alihos81@yahoo.com

*** احسان کهنسال

E-mail: kohansalehsan@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۴

چکیده

مطالعه حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی در شهر دهدشت پرداخته است. جامعه آماری افراد ۱۵ سال و بالاتر، حجم نمونه ۳۸۲ نفر، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، نوع تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داده است که مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی خاص، اعتماد اجتماعی عام و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با متغیر وابسته رابطه مستقیم و معنی‌داری دارند. همچنین، احساس آنومی (۱)، تقدیرگرایی و احساس محرومیت نسبی رابطه معکوس و معنی‌داری با وفاق اجتماعی دارند.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز نشان داده است که متغیرهای وارد شده در تحقیق ۳۷ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند که در این میان مشارکت اجتماعی بیشترین سهم را در تبیین واریانس وفاق اجتماعی دارد.

کلید واژه‌ها: وفاق اجتماعی، انسجام اجتماعی، همبستگی اجتماعی، عام‌گرایی، دهدشت.

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی؛ مورد

مطالعه: شهر دهدشت» از دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۹۲ می‌باشد.

** دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

*** دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، نویسنده مسئول

مقدمه و طرح مسئله

جامعه ایران از انقلاب مشروطه به این سو، با بسیاری از ویژگی‌های جامعه در حال گذار قابل شناسایی است. اگرچه بسیاری از ساخت‌های دیرپای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در معرض نوسازی و دگرگونی قرار گرفته‌اند و بسیاری از شالوده‌ها و الگوهای سنتی همبستگی اجتماعی از میان رفته و یا تضعیف شده‌اند، اما الگوها و شالوده‌های نوین نیز استقرار و استحکام کامل نیافته‌اند (خالقی دامغانی، ۱۳۸۵: ۶۲). چنین جوامعی با چالش‌هایی چون تمایزپذیری و شالوده‌شکنی نهادهایی نظیر دولت و شکل‌گیری هویت‌های سیال، با پیامدهایی از جمله گسترش نابرابری‌های اجتماعی، عدم برخورداری متناسب و متعادل در کلان‌شهرها و شهرهای حاشیه‌ای و نقاط محروم از توزیع بودجه‌های عمرانی، اجتماعی و فرهنگی، عدم برخورداری همه افراد از امکانات مناسب، خلق هویت‌های جدید و ناپایدار که می‌تواند متفاوت و حتی مغایر با گذشته باشد، روبرو است. بنابراین، در این شرایط، ارزش‌های حیاتی مورد توافق جامعه تحت تأثیر قرار می‌گیرد که کاهش همبستگی و وفاق اجتماعی می‌تواند پیامد آن باشد (کفاشی، ۱۳۸۷: ۱۳۲؛ حسنوی و فمی تفرشی، ۱۳۸۶: ۲۵).

وفاق، نیرویی مقابل شکاف‌ها و تعارضات است و همکاری میان بلوک‌های مختلف اجتماعی را با گسترش اهداف و غایات مشترک افزایش می‌دهد؛ به طوری که اشتراک در اهداف، اختلاف در روش‌ها و ابزارها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و از گرایش ابزارها به خشونت و نابسامانی اجتماعی می‌کاهد (بشیری، ۱۳۸۳: ۷۵).

با شناخت عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی که متناسب با سیل تغییرات در جامعه امروز، ضرورت آن بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود، می‌توان با شناخت قواعد بازی و با مدیریت چالش‌ها و آسیب‌ها، جامعه را هدایت کرد. بی‌شک وفاق اجتماعی می‌تواند یکی از مهم‌ترین قواعد این بازی باشد که در این پژوهش به دنبال عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر دهدشت می‌باشیم.

استان کهگیلویه و بویراحمد از استان‌های کمتر توسعه یافته و در حال گذار است. چنین جوامعی از طرفی با رشد شهرنشینی، گردش سریع اطلاعات و گسترش مناسبات مدرن، با کاهش ارزش‌های سنتی مشترک مواجه می‌شوند و از طرف دیگر، موانع و مشکلاتی در راه هنجارپذیری، سازگاری اجتماعی و نهادینه کردن ارزش‌های جدید در این جوامع وجود دارد. از این رو، با تغییرات و دگرگونی‌های جدید، دچار آنومی و تأخرهای فرهنگی شده که منجر به کشاکش میان مناسبات سنتی و جدید می‌شود.

در واکنش به این تغییرات، لازم است تا به دور از افراط و تفریط و با برخورد آگاهانه و هوشیارانه با مشکلات، به شکل گیری فرهنگی پربار، غنی و پویا کمک کرد تا نیازهای فطری و طبیعی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی برآورده شوند و از مسائلی مانند از خودبیگانگی، خودباختگی و بی هویتی و تأثیرپذیری از امواج تبلیغاتی و مخرب و در نتیجه تزلزل در امر انسجام و یکپارچگی جلوگیری کرد.

جامعه امروز جامعه ای ارگانیک است و نیاز به همکاری و فعالیت همه اعضا در جهت حفظ منافع جمعی بیشتر احساس می شود. از اینرو جدایی و به حاشیه راندن افراد و گروه ها می تواند کارکردهای جامعه را دچار اختلال کند. بنابراین، باید تلاش کرد همه اعضا زیر چتر حمایتی جامعه قرار گیرند تا این که توافقی نسبی میان اذهان ایجاد شود (صداقت زادگان، ۱۳۸۱: ۲۳۰).

سؤالات پژوهش

- میانگین وفاق اجتماعی در شهر دهدشت به چه میزان است؟
- چه عواملی بر وفاق اجتماعی مؤثراند و سهم هر کدام به چه میزان است؟

چارچوب نظری

وفاق به عنوان مسئله بنیادین پارادایم نظم اجتماعی، محور تفکر جامعه شناسانی نظیر دورکیم، پارسونز و مرتن است و با ارائه نظریه هایی که به مطالعه نظم، توافق، ثبات و انسجام اجتماعی می پردازند، با هنجارهای مقبول، ارزش ها، قوانین و مقررات پذیرفته شده، به صورت گسترده یا جمعی سروکار دارد.

چارچوب نظری پژوهش با تأکید بر نظریه پارسونز، تلفیقی از نظریه های ساخت جامعه و ناهنجاری دورکیم، کنش اجتماعی و نظریه الگو (پارسونز)، تئوری بی سازمانی اجتماعی رابرت مرتن، نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز و تئوری احساس محرومیت نسبی است.

طبق نظریه دورکیم، هنگامی که ساختارهای گوناگون در سازگاری طبیعی باشند، سلامتی و بهنجار بودن متداول است. نابسامانی هنگامی رخ می دهد که ساختارها منظم نباشند، به خصوص در دوره انتقالی میان دو صورت که در این مدت صور نامناسب به صورت بقایا می مانند یا از میان می روند، ولی هنوز صور مناسب جایگزین آنها نشده اند (له مان، ۱۳۸۵: ۵۱).

جایی که هر فرد دارای حوزه های عمل و نقشی خاص در جهت بهبود عملکرد کل جامعه است افراد وابستگی بیشتری به جامعه و نقش های دیگر پیدا می کنند و در نتیجه آگاهی فردی بیشتر توسعه پیدا می کند و درجه انسجام اجتماعی افزایش می یابد (آلسانتر و دیگران، ۲۰۱۲: ۳۴۶).

به عقیده پارسونز، جامعه دارای نظامی ارزشی است که برای اعضای آن جامعه معنادار و مشترک است. وقتی این نظام ارزشی صدمه ببیند و شرایط به شکلی شود که فاقد هرگونه وفاق در مورد اهداف نهایی باشد، نظام دارای بی ثباتی شدید و هرج و مرج می شود (حیدری و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۲).

پارسونز تقابلی را که تونیس میان جامعه و اجتماع برقرار کرده بود چند بعدی می دانست و این ابعاد را چون یک سری پرسش های دو گزینه ای که هر کنشگر در رابطه با دیگری با آنها روبرو می شود، در نظر می گرفت. وی تعداد این پرسش های دو گزینه ای را در هر جامعه ای محدود می دانست و خود تعداد آنها را چهارتا اعلام کرد و آنها را متغیرهای الگویی کنش نامید (گی روشه، ۱۳۷۶: ۶۷).

بر مبنای این نظریه، با ایجاد تغییرات در ساخت هنجارهای اجتماعی به ویژه مجموعه ارزش های سنتی که مانع مشارکت می شوند، می توان جهت گیری افراد را به سمت رفتارهای جامعه ای سوق داد (کرایب، ۱۳۸۵: ۶۰).

مهم ترین متغیر الگویی پارسونز عام گرایی در برابر خاص گرایی است. یکی از مهم ترین عناصری که زمینه ساز تمایل به سوگیری عام گرایانه تلقی می شود، اعتماد تعمیم یافته است. اعتماد تعمیم یافته که در فرآیند توسعه اجتماعی و بسط روابط بین گروهی شکل می گیرد، زمینه ساز احساس مسئولیت، تعادل اجتماعی و بسط عام گرایی است و برعکس ضعف تمایلات بین گروهی، تحدید عواطف، اعتماد، احساس مسئولیت و در پی آن روابط خاص گرایانه، پیامدهای زیانباری چون بی نظمی و از هم پاشیدگی سازمان اجتماعی را به دنبال خواهد داشت (غفاری و نوابی، ۱۳۸۸: ۲۱۱).

به عقیده پارسونز، در جوامعی که موقعیت خانوادگی موجب نفوذ می شود و پایگاه اجتماعی اغلب بسته به روابط بیولوژیکی است، برای نظام آزادی انتخاب افراد لایق و تخصیص موقعیت های اجتماعی جدای از اشخاص وجود ندارد. اما در وضعیتی که کسب امتیاز شخصی موجب نفوذ پایگاه خویشاوندی می شود، تکامل به سوی نظامی از رده ها که به طور غیرشخصی قشر بندی شده باشند، آغاز می شود. در چنین شرایطی، با شکل گیری یک «مای» جدید، اساس هنجاری وسیع تری مطرح می شود و تمایلی به

سوی قواعد هنجاری آشکاری که بیانگر تعلق و شهروندی است شکل می‌گیرد. به محض شکل‌گیری این قواعد، زمینه‌های هنجاری عامی در جهت یکپارچگی اجتماعی، جایگزین الزامات ملموس خاص می‌شود. با بسط هویت جمعی مطمئن‌تر، آزادی انطباق بیشتر می‌شود، فضای نوآوری افزایش می‌یابد و توان انطباق بیشتری بوجود می‌آید (اسکیدمور، ۱۳۸۵: ۲۲۲).

پارسونز معتقد است که ارتباط در نظام همگانی نمادها، مستلزم تعمیم ویژگی خود و دیگری در وضعیت‌های معین است. هنگامی که چنین تعمیم‌هایی روی دهند کنش‌ها، اشاره‌ها یا نمادها برای خود و دیگری کم و بیش معنای یکسانی دارند و می‌توان از فرهنگ مشترک موجود بین آنها صحبت کرد (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۷: ۹۷).

طبق نظریه مرتن، غایت اجتماعی هر جامعه‌ای هم‌نواپی است و این مهم در صورتی تحقق می‌پذیرد که بین اهداف و وسایل دستیابی به اهداف هماهنگی وجود داشته باشد. در غیر این صورت، افرادی که در دستیابی به فرصت‌های مشروع ناکام می‌مانند، دچار سرخوردگی، بی‌هنجاری و هنجارگسیختگی می‌شوند. بنابراین، ریشه آنومی را باید در اجتماع جست‌وجو کرد. تضعیف هنجارها و نظام‌گسیختگی ناشی از تضعیف پیوستگی سازمان اجتماعی، وضعیتی را در پی دارد که میان افراد و سازمان‌های جامعه، عدم هماهنگی و همسویی برقرار می‌شود و افراد در دستیابی به اهداف اجتماعی ناکام می‌مانند، احساس ناهنجاری به آنها دست می‌دهد (مرجانی، ۱۳۸۲: ۳۱).

طبق نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز، فرهنگ به‌عنوان یکی از چهار نظام تأثیرگذار بر کنش افراد متشکل از افکار، ارزش‌ها، هنجارها و باورهاست که به مثابه نیروی عمده‌ای، عناصر گوناگون نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد و میانجی کنش متقابل میان کنشگران است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۷۳). عناصری چون انگیزه‌ها، ارزش‌ها و وجه‌نظرها در قالب خرده‌فرهنگ دهقانی، مانند عدم اعتماد متقابل، تقدیرگرایی، خانواده‌گرایی، محلی‌گرایی و غیره، عناصری هستند که مانع نوآوری و پذیرش تغییرات در جوامع شده و به تعبیری مانع تجدد، نوسازی، و هم‌چنین مشارکت می‌شوند (موسوی، ۱۳۸۴: ۳۰۴).

طبق نظریه رابرت گار، احساس محرومیت نسبی متأثر از درک افراد از عادلانه بودن جامعه است. بنابراین، افرادی که درک آنها از جامعه و یا سازمان‌هایی که با آنها سروکار دارند دلالت بر عدالت داشته باشد، تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتری دارند تا آن کس که جامعه را ناعادلانه می‌پندارد (فاطمی‌نیا و حیدری، ۱۳۸۹: ۵۱) اما عامل دیگر در پیدایش

احساس محرومیت به غیر از عامل نابرابری، مقایسه های اجتماعی است. بنا به نظریه مقایسه های اجتماعی لئون فستینگر، پس از شکل گیری فرآیند مقایسه اجتماعی، جریان نیاز آفرین و احساس نیاز از قشر بالا به قشر پایین سرایت می کند و چون انسان ها موجودات منفعلی نیستند، در پی ارضای نیازهای خود هستند. اما به علت محدودیت جامعه در توزیع امکانات یکسان جهت ارضای نیازهای متعدد و متنوع، زمینه برای احساس محرومیت فراهم می شود (امام جمعه زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۰).

احساس محرومیت در سطح فردی باعث گسترش اضطراب، آشفتگی، بیگانگی و انزوای فرد در اجتماع است، در حالی که احساس محرومیت در سطح گروهی منجر به کاهش مشارکت بهنجار، گسترش خشونت سیاسی و کشمکش داخلی می شود (امام جمعه زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۲).

پیشینه پژوهش پژوهش های داخلی

پژوهش های داخلی صورت گرفته در زمینه وفاق و مفاهیم هم خانواده به شرح زیر است:

صداقت زادگان اصفهانی (۱۳۷۷): «عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی با تأکید بر جامعه پذیری و قشر اجتماعی»، مدیرپناه (۱۳۷۹): «بررسی تأثیر قشر بندی بر وفاق اجتماعی در شهر رامسر»، قاسمی (۱۳۸۴): «بررسی عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی در بوشهر».

ملکی (۱۳۸۶): «همبستگی اجتماعی در گروه های قومی: مطالعه موردی استان گلستان»، میرفردی (۱۳۸۸): «عام گرایی و زمینه های تأثیرگذار بر آن در مناطق در حال توسعه؛ مورد مطالعه: شهر یاسوج»، نقدی و کمربیگی (۱۳۸۹): «بررسی تطبیقی میزان وفاق اجتماعی عام و عوامل مرتبط با آن در میان سه جامعه شهری، روستایی و عشایری؛ مورد مطالعه: شهرستان ایلام».

در پژوهش هایی که نام برده شد، تأثیر متغیرهایی از جمله: تحصیلات، قشر اجتماعی، ارتباطات اجتماعی، فعالیت صنفی، جامعه پذیری، بیگانگی ناشی از احساس محرومیت، اعتماد، سن، مشارکت اجتماعی و تقدیرگرایی بر وفاق اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

پژوهش های خارجی

براساس یک نوع شناسی از انسجام اجتماعی که توسط کرنز و فارست (۲۰۰۰) صورت

گرفته است، یک جامعه زمانی از انسجام اجتماعی برخوردار است که، اول از همه در آن جامعه ارزش های مشترک و یک فرهنگ مدنی سرزنده وجود داشته باشد. در مرحله دوم، جامعه منسجم به جامعه ای اشاره دارد که در آن اختلال وجود نداشته باشد و مکانیزم های کنترل اجتماعی نیز به خوبی عمل کنند (نظم اجتماعی). ثالثاً یک جامعه زمانی از انسجام اجتماعی برخوردار است که راهکارهایی برای کاهش نابرابری های اقتصادی وجود داشته باشد. چهارم این که، جامعه ای از انسجام اجتماعی برخوردار است که سرمایه های اجتماعی، شامل شبکه های اجتماعی و مشارکت های مدنی در آن جامعه بالا باشد. در نهایت، تعلق و هویت مشترک در میان اعضای یک جامعه باعث انسجام اجتماعی می شود.

دیکس و دیگران (۲۰۱۱) با بررسی موج چهارم مطالعه ارزش های اروپایی (EVS) که از سال ۲۰۰۸ در یک مقیاس وسیع صورت گرفته است، به تجزیه و تحلیل شاخص های انسجام اجتماعی در ۴۷ کشور اروپایی پرداختند. طبق یافته های آنها، کشورها الگوهای مختلفی از انسجام اجتماعی را نشان می دهند؛ به طوری که، مناطقی که از مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بالاتری برخوردار است و اعتماد سازمانی در آنها بیشتر است از انسجام اجتماعی بالاتری نیز برخوردار هستند.

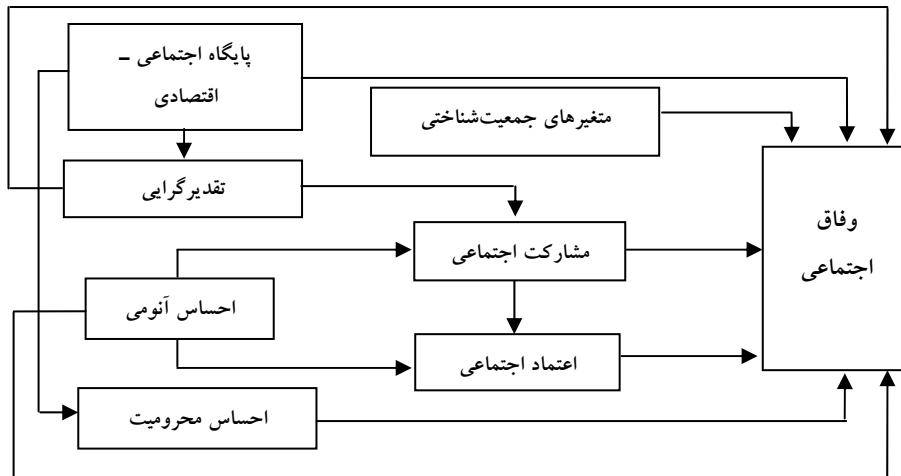
پاسگو و دیویلد (۲۰۱۲) در بررسی رابطه بین نابرابری درآمد و همبستگی در اروپا، به بررسی هر دو نوع همبستگی - همبستگی عاطفی و همبستگی حسابگرایانه - پرداختند. استدلال آنها این است که نابرابری زیاد، ملاحظات عاطفی ای که باعث ایجاد انگیزه در مردم برای ترویج رفاه دیگران به عنوان یک وظیفه اخلاقی می شود را تضعیف می کند. در جوامعی که نابرابری در آنها بیشتر است، مقایسه وضعیت خود با دیگران منجر به اضطراب، استرس و احساس محرومیت نسبی و در نتیجه منجر به ایجاد شکاف های اجتماعی میان آنها می شود.

بوترمان و دیگران (۲۰۱۲) با تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از منطقه ای در شمال بلژیک که از ۳۰۸ جامعه محلی تشکیل شده است، بر این عقیده اند که نظم و انسجام در صورتی که بر یک توافق اصولی در میان مردم تکیه کنند باثبات و پایدار خواهند بود. به باور آنها، جوامعی که دارای شکاف های اجتماعی - اقتصادی بالاتری اند، از انسجام اجتماعی پایین تری برخوردار هستند. در مقابل، در جوامعی که از لحاظ ساختاری و فرهنگی دارای سرمایه های اجتماعی بیشتری هستند، همکاری های اجتماعی با سهولت بیشتری صورت می گیرد.

فرضیه‌های پژوهش

- فرضه اول:** به نظر می‌رسد بین مشارکت اجتماعی و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- فرضیه دوم:** به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- فرضیه سوم:** به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و وفاق رابطه وجود دارد.
- فرضیه چهارم:** به نظر می‌رسد بین احساس انومی و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- فرضیه پنجم:** به نظر می‌رسد بین احساس محرومیت و وفاق رابطه وجود دارد.
- فرضیه ششم:** به نظر می‌رسد بین تقدیرگرایی و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- فرضیه هفتم:** به نظر می‌رسد بین سن و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- فرضیه هشتم:** به نظر می‌رسد بین تحصیلات و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.

شکل شماره ۱: مدل تحلیلی پژوهش



روش‌شناسی

تحقیق حاضر، از نظر معیار زمان، مقطعی، به لحاظ ماهیت، کاربردی و به لحاظ وسعت پهنانگر است. ابزار جمع‌آوری در این تحقیق پرسش‌نامه بوده است و واحد تحلیل نیز فرد است. جمعیت آماری پژوهش کلیه افراد ۱۵ سال به بالا در شهر دهدشت است. براساس سالنامه آماری استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۲، جمعیت کل شهر دهدشت ۵۶۲۷۹ نفر بوده است که از این تعداد ۴۵۸۸۶ نفر را افراد ۱۵ سال و بالاتر تشکیل می‌دهند. این تحقیق در سال ۱۳۹۲ انجام گرفته است.

براساس فرمول تعیین حجم کوکران، نمونه ای ۳۸۲ نفری انتخاب شده است. اما جهت افزایش اطمینان کار، نمونه ای ۴۰۰ نفری برای این تحقیق در نظر گرفته شده است. در پایان پس از کنار گذاشتن پرسش نامه های مخدوش، اطلاعات مربوط به ۳۸۹ نفر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. شیوه نمونه گیری به این صورت بوده است که، با استفاده از نقشه پستی شهر دهدشت، از شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شده است. برای سنجش اعتبار ابزار اندازه گیری، با استفاده از نظر تنی چند از اساتید دانشگاه، از اعتبار صوری استفاده شده است. به منظور تعیین میزان پایایی از شیوه آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج آن به شرح زیر می باشد:

وفاق اجتماعی (۰/۸۴)، مشارکت اجتماعی (۰/۷۱)، اعتماد خاص (۰/۶۹)، اعتماد عام (۰/۷۸)، پایگاه اجتماعی - اقتصادی ذهنی (۰/۸۱)، احساس آنومی (۰/۷۲)، احساس محرومیت (۰/۸۶)، تقدیرگرایی (۰/۸۷).

ابعاد مفهومی وفاق اجتماعی

«وفاق مظهر قبول جلوه ها، مدل ها و ارزش های اجتماعی توسط همگان است که اساس یک زندگی اجتماعی مثبت را تشکیل می دهد و از بین رفتن آن باعث بی سازمانی و فروریزی ساخت جامعه می شود» (آلن بیرو، ۱۳۶۶: ۶۵؛ به نقل از قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۲).

مقصودی مهم ترین مؤلفه وفاق را تعریف و بازتعریف وفاق اجتماعی می داند. به عقیده وی در شرایط نوین می توان چهار شاخصه اصلی برای جامعه ای که به سوی وفاق پیش می رود، برشمرد که عبارتند از: مشارکت اجتماعی، پذیرش اختلافات، کاهش تعارضات، و کاستن از تعلقات خاص گرایانه در جهت افزایش علائق عام گرایانه (میزگرد وفاق، ۱۳۷۹: ۲۶).

چلبی در پاسخ به این سؤال که چه نوع وفاقی می تواند زمینه ساز توسعه شود، وفاق عام و تعمیم یافته را کارآمد می داند (چلبی، ۱۳۷۲: ۲۳).

در نظام اجتماعی که براساس وفاق اجتماعی عام و تعمیم یافته استوار است، از نظر هر کنشگری، دیگر کنشگران از «ما»ی تعمیم یافته یا «اجتماع عام» هستند و نه از «ما»های کوچکتری مانند خانواده و گروه قومی. وفاق اجتماعی را هنگامی می توان عام دانست که از موهبت اعتماد اجتماعی دو جانبه، تعهد درونی تعمیم یافته و نوعی همدلی و ثبات برخوردار باشد (چلبی، ۱۳۷۲: ۱۷).

در این تحقیق وفاق اجتماعی در سه بعد (اخلاق، عام‌گرایی و تعهد تعمیم‌یافته) تعریف عملیاتی شده است و مبنای تعریف ما از وفاق اجتماعی، تعریف چلبی است.

تعهد اجتماعی تعمیم یافته

پارسونز تعهد اجتماعی را «هم‌ذات‌پنداری» با جمع می‌داند که به معنای پذیرش انگیزش عضویت در نظام‌های جمعی است و این امر از منظر کارکردی که برای نظام جمعی دارد، معادل همبستگی است (یوسفی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۴).

عام‌گرایی

عام‌گرایی در مقابل خاص‌گرایی، یکی از متغیرهای الگویی پارسونز می‌باشد. این متغیرها با ورود به عرصه انتخاب کنشگر، انتخاب‌های وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ با ورود به نظام شخصیتی کنشگر، به خلق عادت انتخاب می‌انجامد؛ با ورود به سطح جمعی، به تعریف نقش می‌پردازند و با ورود به سطح فرهنگی، به تکوین ملاک‌های ارزشی منتهی می‌شود (محمدی اصل، ۱۳۹۰: ۶۰).

در این تحقیق منظور از عام‌گرایی این است که کنشگران تا چه اندازه همه افراد جامعه را به یک چشم می‌نگرند و مرزهای قبیله‌ای، طایفه‌ای، محلی و یا همشهری در نزد آنها رنگ باخته و کنش‌های آنها عام و عمومی است.

اخلاق

اخلاق چارچوبی برای هدایت رفتارهای انسانی است و به اصولی مربوط می‌شود که تلاش می‌کنند درست را از نادرست تمیز دهند (حسین‌پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۲).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

طبق یافته‌های تحقیق، دامنه سنی در گروه نمونه بین ۱۶ تا ۷۱ سال و میانگین سن پاسخگویان ۳۲/۴ است. هم‌چنین، ۵۹/۶ درصد پاسخگویان را مردان و ۴۰/۴ درصد را زنان به خود اختصاص داده‌اند. وضعیت تأهل پاسخگویان نیز به این صورت بوده است که، ۴۱/۴ درصد مجرد و ۵۸/۶ درصد متأهل هستند. در بررسی وضعیت تحصیلی افراد نیز نتایج بدست آمده نشان داده است که، ۴/۹ درصد بی‌سواد، ۷/۵ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۳/۴ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۳۹/۱ درصد دارای

تحصیلات دبیرستان، ۵/۱ درصد داری تحصیلات فوق دیپلم، ۲۳/۹ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و ۶/۲ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر است. بر طبق اطلاعات کسب شده، دامنه درآمد در گروه نمونه بین ۱۵۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰۰۰ تومان و میانگین درآمد پاسخگویان ۹۶۵۹۲۵ تومان است.

توصیف وفاق اجتماعی (متغیر وابسته) و ابعاد آن: بر طبق یافته تحقیق، میانگین وفاق اجتماعی در میان پاسخگویان ۴۷/۰۴ بدست آمده است. با توجه به حداکثر نمره ممکن (نمره ۸۰)، میزان وفاق اجتماعی در میان کل پاسخگویان ۵۸/۸ درصد است. میزان عام‌گرایی در میان افراد ۴۷/۸ درصد، میزان تعهد تعمیم یافته ۷۱/۴ درصد و میزان اخلاق اجتماعی نیز ۵۷/۴ درصد است. طبق نتایج حاصله، پاسخگویان در بعد تعهد تعمیم یافته بالاترین میزان وفاق اجتماعی را دارند و این در حالی است که در بعد عام‌گرایی میزان وفاق اجتماعی پایین‌تر از حد متوسط است.

جدول شماره ۱: آماره‌های توصیفی مربوط به وفاق اجتماعی و ابعاد آن

آماره‌های توصیفی	وفاق اجتماعی	ابعاد وفاق اجتماعی		
		عام‌گرایی	تعهد تعمیم یافته	اخلاق اجتماعی
تعداد مشاهدات	۳۸۹	۳۸۹	۳۸۹	۳۸۹
میانگین	۴۷/۰۴	۱۱/۹۶	۱۷/۸۵	۱۷/۲۳
انحراف معیار	۹/۳۷	۴/۱۷	۳/۰۱	۴/۷۸
واریانس	۸۷/۷۵	۱۷/۳۵	۹/۰۸	۲۲/۸۴
حداقل	۲۱	۵	۸	۶
حداکثر	۷۲	۲۲	۲۵	۲۹

یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده، مشارکت اجتماعی در هر دو بعد عینی و ذهنی رابطه مثبت و معنی با وفاق اجتماعی و ابعاد آن دارد و این رابطه در سطح ۹۹٪ معنی‌دار است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که، هر دو بعد اعتماد (اعتماد خاص و اعتماد عام) رابطه مثبت و معنی‌داری با وفاق اجتماعی دارند. هم‌چنین، نتایج بدست آمده نشان می‌دهد اعتماد خاص با ابعاد تعهد تعمیم یافته و اخلاق اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد اما با بعد عام‌گرایی رابطه معنی‌داری ندارد. اعتماد عام یا تعمیم یافته نیز، با هر سه بعد وفاق اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری نشان داده است.

رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و وفاق اجتماعی یکی دیگر از فرضیه‌های این پژوهش بوده است. پایگاه اجتماعی - اقتصادی در دو بعد عینی و ذهنی مورد سنجش قرار گرفته است. در بعد عینی نتایج حاصل از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه نشان می‌دهد که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی عینی و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد. هم‌چنین نتایج آزمون ضریب همبستگی حاکی از آن است که پایگاه اجتماعی - اقتصادی ذهنی رابطه مثبت و معنی‌داری با وفاق اجتماعی دارد. لازم به ذکر است که، پس از کنترل سایر متغیرها، رابطه معنی‌داری بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی ذهنی و وفاق اجتماعی دیده نشده است. هم‌چنین، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیره حاکی از آن است که پایگاه اجتماعی - اقتصادی ذهنی تأثیر معنی‌داری در تبیین واریانس وفاق اجتماعی نداشته است. نتایج تحلیل مسیر نیز حاکی از آن است که پایگاه اجتماعی - اقتصادی به صورت مستقیم تأثیر معنی‌داری در تبیین واریانس وفاق اجتماعی ندارد بلکه تأثیر آن به صورت غیرمستقیم است.

فرضیه دیگر تحقیق به آزمون رابطه بین احساس انومی با وفاق اجتماعی پرداخته است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که رابطه معکوس و معنی‌داری بین احساس انومی با وفاق اجتماعی وجود دارد.

رابطه بین احساس محرومیت با وفاق اجتماعی یکی دیگر از فرضیه‌های این تحقیق بوده است. طبق نتایج بدست آمده، بین احساس محرومیت با وفاق اجتماعی و ابعاد آن رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد.

از دیگر فرضیه‌های تحقیق، آزمون رابطه بین تقدیرگرایی با وفاق اجتماعی بوده است. یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه‌ای منفی و معنی‌دار بین تقدیرگرایی و وفاق اجتماعی است. هم‌چنین، نتایج کسب شده نشان‌دهنده رابطه‌ای معکوس و معنی‌دار بین تقدیرگرایی با عام‌گرایی است. اما تقدیرگرایی رابطه معنی‌داری با اخلاق اجتماعی نشان نداده است. رابطه میان تقدیرگرایی با تعهد تعمیم‌یافته نیز مثبت و معنی‌دار بدست آمده است. لازم به ذکر است که، پس از کنترل سایر متغیرها رابطه معنی‌داری بین تقدیرگرایی و وفاق اجتماعی دیده نشده است. هم‌چنین، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داده است که تقدیرگرایی تأثیر معنی‌داری در تبیین واریانس وفاق اجتماعی ندارد.

در بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای با وفاق نیز نتایج زیر حاصل شده است: طبق نتایج بدست آمده، رابطه معنی‌داری بین سن پاسخگویان با وفاق اجتماعی و ابعاد آن مشاهده نشده است.

طبق نتایج حاصل از آزمون آنالیز واریانس، میانگین وفاق اجتماعی در میان مقاطع مختلف تحصیلی تفاوت معنی داری دارد. با توجه به نتایج حاصل از آزمون Tukey، میانگین وفاق اجتماعی در میان پاسخگویانی که دارای تحصیلات «کارشناسی» و «کارشناسی ارشد و بالاتر» هستند نسبت به سایر مقاطع تحصیلی بالاتر است.

جدول شماره ۲: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل با وفاق اجتماعی و ابعاد آن

ابعاد وفاق اجتماعی			وفاق اجتماعی	وفاق اجتماعی و ابعاد آن متغیرهای مستقل
اخلاق اجتماعی	تعهد تعمیم یافته	عام گرایی		
$r=0/35$ $sig=0/000$	$r=0/48$ $sig=0/000$	$r=0/33$ $sig=0/000$	$r=0/48$ $sig=0/000$	مشارکت اجتماعی
$r=0/26$ $sig=0/000$	$r=0/16$ $sig=0/000$	$r=0/21$ $sig=0/000$	$r=0/28$ $sig=0/000$	پایگاه اجتماعی اقتصادی ذهنی
$r=0/15$ $sig=0/003$	$r=0/14$ $sig=0/005$	$r=0/02$ $sig=0/71$	$r=0/13$ $sig=0/001$	اعتماد خاص
$r=0/28$ $sig=0/000$	$r=0/42$ $sig=0/000$	$r=0/18$ $sig=0/000$	$r=0/36$ $sig=0/000$	اعتماد عام
$r=-0/27$ $sig=0/000$	$r=-0/221$ $sig=0/000$	$r=-0/35$ $sig=0/000$	$r=-0/35$ $sig=0/000$	احساس انومی
$r=-0/41$ $sig=0/000$	$r=-0/21$ $sig=0/000$	$r=-0/31$ $sig=0/000$	$r=-0/42$ $sig=0/000$	احساس محرومیت
$r=-0/06$ $sig=0/25$	$r=0/13$ $sig=0/01$	$r=-0/28$ $sig=0/000$	$r=-0/11$ $sig=0/024$	تقدیرگرایی
$r=0/08$ $sig=0/14$	$r=0/07$ $sig=0/18$	$r=-0/09$ $sig=0/09$	$r=0/02$ $sig=0/67$	سن

یافته‌های مربوط به تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر

طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون ($R^2=0/37$)، متغیرهای وارد شده در مدل ۳۷ درصد از واریانس وفاق اجتماعی را تبیین می‌کنند که در این میان بیشترین تأثیر مربوط به مشارکت اجتماعی است.

نتایج حاصل از تحلیل مسیر نیز حاکی از آن است که مشارکت اجتماعی، اعتماد عام یا تعمیم یافته، احساس محرومیت، احساس انومی، و اعتماد خاص به صورت مستقیم بر وفاق اجتماعی تأثیرگذاراند. تقدیرگرایی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی ذهنی نیز

به صورت مستقیم تأثیر معنی داری بر وفاق اجتماعی ندارند اما پایگاه اجتماعی - اقتصادی ذهنی به صورت غیرمستقیم بر وفاق اجتماعی تأثیر گذار است.

در تحلیل مسیر می توان با حذف بعضی مسیرهای مدل علی، مدل جمع و جورتری بدست آورد و ضرایب مسیر کوچکتر از ۰/۰۵ را نظراً غیرمعنی دار تلقی کرد (کرلینجر و پدهازر، ۱۳۸۹: ۴۳۱).

مدل نهایی تحقیق پس از حذف مسیرهایی که ضرایب آنها کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد در شکل ۲ نشان داده شده است.

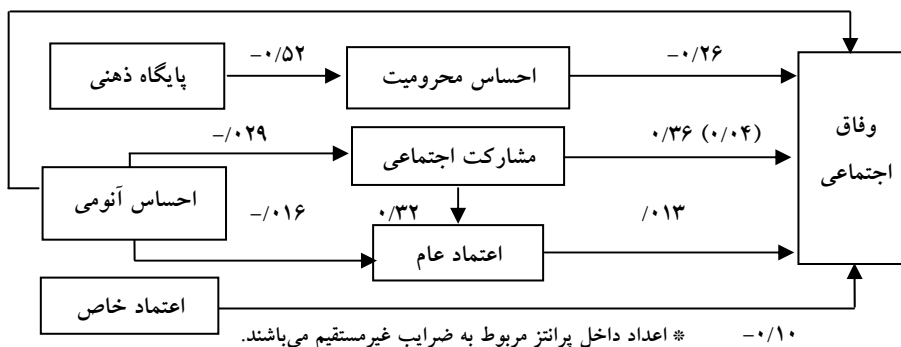
جدول شماره ۳: نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره فرضیه های تحقیق

$R^2=0/37$		$R=0/61$		$\alpha=0/000$		$F=32/2$	
سطح معنی داری	مقدار t	Beta	اشتباه استاندارد	B	شاخصها	متغیرها	
۰/۰۰۰	۷/۲	-	۵/۹	۴۲/۹	ثابت (a)		
۰/۶۴	۰/۴۶	۰/۰۲	۰/۱۴	۰/۰۶	پایگاه اجتماعی - اقتصادی ذهنی		
۰/۰۰۱	-۳/۴	-۰/۱۶	۰/۱۲	-۰/۴۱	احساس انومی		
۰/۰۰۰	۷/۴	۰/۳۶	۰/۰۹	۰/۶۴	مشارکت اجتماعی		
۰/۵۵	۰/۵۹	۰/۰۳	۰/۱۱	۰/۰۶	تقدیرگرایی		
۰/۰۳	-۱/۲	-۰/۱۰	۰/۱۱	-۰/۲۴	اعتماد خاص		
۰/۰۰۵	۲/۸	۰/۱۳	۰/۰۶	۰/۱۶	اعتماد عام یا تعمیم یافته		
۰/۰۰۰	-۴/۹	-۰/۲۶	۰/۱۱	-۰/۵۳	احساس محرومیت		

جدول شماره ۴: نتایج مربوط به تحلیل مسیر مدل نظری پژوهش

معادله ۵	معادله ۴	معادله ۳	معادله ۲	معادله ۱	معادله ها
وفاق اجتماعی	اعتماد عام یا تعمیم یافته	مشارکت اجتماعی	احساس محرومیت	تقدیرگرایی	متغیر وابسته متغیرهای مستقل
$\beta=0/02$ $sig=0/64$			$\beta=-0/52$ $sig=0/000$	$\beta=-0/08$ $sig=0/123$	پنداشت فرد از پایگاه خود
$\beta=0/03$ $sig=0/55$		$\beta=-0/03$ $sig=0/61$			تقدیرگرایی

$\beta = -0/16$ $sig = 0/001$	$\beta = -0/16$ $sig = 0/001$	$\beta = -0/29$ $sig = 0/000$			احساس انومی
$\beta = 0/36$ $sig = 0/000$	$\beta = 0/32$ $sig = 0/000$				مشارکت اجتماعی
$\beta = 0/13$ $sig = 0/005$					اعتماد عام یا تعمیم یافته
$\beta = -0/10$ $sig = 0/033$					اعتماد خاص
$\beta = -0/26$ $sig = 0/000$					احساس محرومیت
$R^2 = 0/37$ $sig = 0/000$	$R^2 = 0/16$ $sig = 0/000$	$R^2 = 0/09$ $sig = 0/000$	$R^2 = 0/27$ $sig = 0/000$	$R^2 = 0/06$ $sig = 0/123$	ضریب تعیین و سطح معنی داری مربوط به هر معادله

 شکل شماره ۲: مدل نهایی تحقیق با استفاده از ضرایب مسیر $-0/16$ ($-0/24$)


نتیجه گیری و پیشنهادات

نتایج پژوهش حاکی از آن است که شبکه های ارتباطی از نوع محدود و درون گروهی الگوهای رفتاری بسیاری از افراد را تعیین می کند. با توجه به ماهیت فرهنگی مسئله وفاق، با اتخاذ رویکردها و راهکارهای فرهنگی مناسب و با اهتمام در افزایش سیاست گذاری هایی که موجب نهادینه کردن نگرش های جامعه ای در میان افراد گردد می توان پاره ای از دغدغه های موجود را حل کرد. طبق نتایج تحقیق، مشارکت اجتماعی می تواند تأثیر مثبتی در افزایش وفاق اجتماعی و ابعاد آن (عام گرایی، تعهد تعمیم یافته، اخلاق اجتماعی) داشته باشد.

مشارکت اجتماعی می تواند با نزدیکی فیزیکی و فکری افراد به یکدیگر موجب کاهش فاصله های اجتماعی، افزایش روحیه تساهل، بهبود آگاهی های جامعه ای و هم چنین گسترش شعاع اعتماد در میان شهروندان شود. بنابراین، لازم است که در سیاست گذاری های عمومی مقوله مشارکت اجتماعی با جدیت بیشتری لحاظ شود.

یافته ها نشان داده است اعتماد خاص بالاتر از اعتماد عام یا تعمیم یافته است. به عبارتی، شعاع اعتماد در میان افراد بیشتر محدود به دوستان و آشنایان است. اعتماد با توجه به نقشی که در نظم اجتماعی و همبستگی بازی می کند، خمیر مایه هر جمع پایدار و توسعه یافته ای است.

طبق نتایج تحقیق، افزایش مشارکت اجتماعی می تواند به افزایش اعتماد عام یا تعمیم یافته منجر شود. بنابراین، با فراهم کردن زمینه های مشارکت و گسترش تعاملات اجتماعی می توان شعاع اعتماد را گسترش داد.

تلاش در جهت بهبود عملکرد نهادها و سازمان های دولتی و پاسخ به موقع به نیازها و خواسته های مردم می تواند گام مؤثری در افزایش شعاع اعتماد میان شهروندان باشد. طبق یافته های تحقیق، میزان احساس محرومیت در میان پاسخگویان بالاتر از حد متوسط است و هر چه افراد بیشتر احساس محرومیت کنند از وفاق اجتماعی پایین تری برخوردار می باشد.

احساس محرومیت می تواند موجب دوری فرد از نظام ارزش ها، باورها، هنجارها و اهداف فرهنگی شود و مانعی عمده در راه تعمیق و تقویت وفاق اجتماعی باشد. بنابراین، با ایجاد فرصت های برابر در زمینه های مختلف تحصیلی، شغلی و غیره می توان به ایجاد احساس عدالت در میان اقشار مختلف جامعه کمک کرد.

طبق نتایج بدست آمده، در شرایطی که افراد احساس آنومی و ناهنجاری بیشتری داشته باشند از وفاق اجتماعی پایین تری برخوردارند. هم چنین، آنومی بر مشارکت و اعتماد تأثیری منفی می گذارد. از آنجا که افزایش احساس ناهنجاری می تواند فهم مشترک افراد از مسائل اجتماعی را پایین بیاورد، هنجارهای اساسی جامعه کمتر توسط افراد رعایت می شوند که می تواند موجبات بدبینی، سرخوردگی، کاهش مشارکت های اجتماعی و کاهش اعتماد را به دنبال داشته باشد.

با بهبود عملکرد نظام های انتظام بخش می توان ناهنجاری ها و آسیب های اجتماعی را مدیریت کرد.

طبق یافته ها، تحصیلات دانشگاهی با وفاق رابطه مثبت و معنی داری دارد. بنابراین، با اهتمام در افزایش فرصت های تحصیلی و بهبود عملکرد نهادهای آموزشی می توان به تعمیم و نهادینه سازی رفتارهای جامعه ای و افزایش وفاق اجتماعی امیدوار بود.

یادداشت

۱- عدم وابستگی شخص به جامعه است که به چند پاره شدن جامعه می‌انجامد (بی‌هنجاری).

منابع

- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۸۵): *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، جمعی از مترجمان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- امام‌جمعه‌زاده، جواد؛ رهبر قاضی، محمدرضا؛ عیسی‌نژاد، امید؛ مردی، زهره (۱۳۹۱): «بررسی رابطه میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی*، س ۸، ش ۱، صص ۶۸-۳۷.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳): «درآمدی بر جامعه‌شناسی اجماع و وفاق»، *ناقد*، س ۱، ش ۳، صص ۸۴-۶۷.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۲): «وفاق اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، ج ۲، ش ۳، صص ۲۸-۱۵.
- حسنگلی‌پور، طهمورث؛ دهقانی‌نیری، محمود؛ میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۰): بررسی عوامل مؤثر بر نگرش اخلاقی دانشجویان مدیریت، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، س ۶، ش ۴، صص ۱۲-۱.
- حسنی، رضا؛ فمی تفرشی، شیدا (۱۳۸۶): «تأثیر جامعه اطلاعاتی بر انسجام اجتماعی»، *تدبیر*، س ۱۷، ش ۱۷۵، صص ۳۱-۲۵.
- حیدری، آرش؛ رضادوست، کریم؛ فروتن‌کیا، شهرزاد (۱۳۹۱): «نظریه از هم‌گسیختگی نمادی و قانون‌گریزی، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز»، *مسائل اجتماعی ایران*، س ۳، ش ۲، صص ۵۹-۳۹.
- خالقی‌دامغانی، احمد (۱۳۸۵): «پیوست‌ها و گسست‌ها در ساختار اجتماعی ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۷، ش ۴، صص ۸۲-۶۱.
- روشه، گی (۱۳۷۶): *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، ج ۱، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تیان.
- صداقت‌زادگان اصفهانی، شهناز (۱۳۷۷): *عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی با تأکید بر جامعه‌پذیری و تشریح اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمد عبدالهی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی (منشر نشده).
- صداقت‌زادگان، شهناز (۱۳۸۱): «عوامل اجتماعی مؤثر بر وفاق اجتماعی در شهر تهران» در مروری بر پژوهش‌های فرهنگ عمومی، زیر نظر محسن فردرو، نشست‌های علمی کارشناسی از بهمن ۱۳۷۸ تا آذر ۱۳۷۹، انتشارات اسلیمی.
- غفاری، غلامرضا؛ نوابی، میثم (۱۳۸۸): «تبیین گستره و شعاع اعتماد اجتماعی در شهر کاشان»، *دانشنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱، ش ۲، صص ۲۳۱-۲۰۷.
- فاطمی‌نیا، سیاوش؛ حیدری، سیامک (۱۳۸۹): «عوامل مرتبط با تعهد شهروندی»، *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، س ۱۰، ش ۳۸، صص ۶۴-۴۱.
- قاسمی، روح‌اله (۱۳۸۴): *بررسی عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی در بوشهر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، به راهنمایی محمد عبدالهی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی (منتشر نشده).
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴): «اعتماد و نظم اجتماعی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، س ۸، ش ۱، شماره مسلسل ۲۷، صص ۴۷-۲۹.
- کرایب، یان (۱۳۸۵): *نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس منخبر، ج ۳، تهران: آگاه.

- کرلینجر، فردریک نیکلز؛ پدهازر، الازار ج (۱۳۸۹)؛ *رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری*، ترجمه حسن سرایی، ج ۴، تهران: سمت.
- کفاشی، مجید (۱۳۸۷)؛ «جامعه اطلاعاتی؛ گذر از انسجام اجتماعی مکانیکی به انسجام اجتماعی ارگانیکی»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، س ۲، ش ۲، صص ۱۱۵-۱۳۸.
- کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۷)؛ *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، ج ۴، تهران، نی.
- له‌مان، جنیفر (۱۳۸۵)؛ *ساخت‌شکنی دورکیم (نقدی پسا پسا ساختارگرایانه)*، ترجمه شهناز مسمی پرست، ج ۱، تهران، نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳)؛ «سنجش میزان فاتالیسم و رابطه آن با احساس کارآمدی و احساس بی‌قدرتی سیاسی در بین زنان بالغ مناطق شهری کشور»، *نامه پژوهش فرهنگی*، س ۸، ش ۹، صص ۲۰۱-۱۶۹.
- محمدی‌اصل؛ عباس (۱۳۹۰)؛ *تالکت پارسونز و نظریه کنش*، تهران: گل‌آذین.
- مدیرینا، علیرضا (۱۳۷۹)؛ *بررسی تأثیر قشریندی بر وفاق اجتماعی در شهر رامسر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، به راهنمایی طاهره قادری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی (منتشر نشده).
- مرجانی، هادی (۱۳۸۲)؛ «سنجش و بررسی احساس انومی در میان جوانان»، *مطالعات جوانان*، س ۱، ش ۵، صص ۶۰-۲۳.
- ملکی، حمید (۱۳۸۶)؛ «همبستگی اجتماعی در گروه‌های قومی مطالعه موردی: استان گلستان»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، س ۱۰، ش ۱، شماره مسلسل ۳۵، صص ۱۴۸-۱۲۳.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۴)؛ «تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران (رویکرد خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز)»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، س ۵، ش ۱۹، صص ۳۲۷-۳۰۱.
- میرفردی، اصغر (۱۳۸۸)؛ «عام‌گرایی و زمینه‌های تأثیرگذار بر آن در مناطق در حال توسعه: مورد مطالعه شهر یاسوج»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، س ۹، ش ۱ (شماره پیاپی ۳۴)، صص ۱۴۰-۱۱۳.
- میزگرد وفاق اجتماعی (۲) (۱۳۷۹)؛ *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱، ش ۲ و ۳، صص ۵۵-۷.
- نقدی، اسدالله، کمریگی، خلیل (۱۳۸۹)؛ «مطالعه وفاق اجتماعی عام در جامعه شهری، روستایی و عشایری ایلام»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۴، ش ۲ (شماره پیاپی ۱۰)، صص ۱۶۲-۱۴۲.
- یوسفی، علی؛ فرهودی‌زاده، مارینا؛ لشکری دربندی، مرضیه (۱۳۹۱)؛ «فشار هنجار تعهد اجتماعی در ایران»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۳، ش ۲ (شماره پیاپی ۴۶)، صص ۱۹۲-۱۷۹.
- Edinea alcantara, Fatima furtado, circe monteiro(2012); "solidarity and mutual assistance in low-income communities: every practices to overcome scarcity and improve quality of life, recife, brazil", *social and behavioral sciences*, 35, PP 344-352.
- Kearns, A. and forrest, R. (2000); "Social cohesion and multilevel urban governance", *urban studies*, 37, PP 995-1017.
- Paskov, M. and Dewilde, C. (2012); "Income inequality and solidarity in Europe", *J. Research in Social Stratification and Mobility*, 30, 415-432.
- Paul dikes, Marie valentova, Monique borsen berger (2011); "a multidim mensional assessment of social cohetion in 47 european countries, NTTs", *conference taking place 22-24 february in Brussels*.
- Sarah, botterman, marc hooghe and time reeskens (2012); "one size fits all? An empirical study in to the multidimensionality of social cohesion indicators in Belgian local communities", *urban studies*, 49(1), PP 185-202.